

تحلیل پساپدیدارشناسانه تأثیر حس زمان بر شاخص‌های اجتماع‌پذیری فضاهای باز عمومی

نمونه موردی: میدان کوه سنگی مشهد*

شادی ضیایی^۱، احمد میرزا کوچک خوشنویس^{۲*}، سعید پیری^۳، مهناز محمودی زرنندی^۴

۱. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، مرکز تحقیقات مطالعات بافت‌های تاریخی، گروه معماری، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

۳. استادیار، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. دانشیار، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱

چکیده بخش زیادی از زندگی اجتماعی افراد در فضاهای عمومی می‌گذرد و تعاملات اجتماعی افراد در این گونه فضاها تعریف می‌شود. از همین رو، اجتماع‌پذیری از مهم‌ترین کیفیت‌های فضاهای عمومی تلقی می‌شود. برای مطالعه همه‌جانبه و کارآمد ماهیت فضاهای عمومی، نیاز است تا این ماهیت در بازه‌های زمانی مختلف بررسی شود. رویکرد پساپدیدارشناسانه به مکان کمک می‌کند تعریف حس مکان در ارتباط با حس زمان بررسی شود و این رویکرد فضاهای عمومی را به‌عنوان رویدادی بررسی می‌کند که روی خود را به تغییرات باز می‌کند و هم‌زمان با فعالیت‌های پویا شکل می‌گیرد. در این راستا، هدف این تحقیق آن است تا رابطه همبستگی میان عامل زمان و سطح شاخص‌های اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی متأثر از عامل زمان را با رویکرد پساپدیدارشناسانه تحلیل کرده و به بررسی چگونگی ارتباط شاخص‌های اجتماع‌پذیری با چرخه‌های زمانی روزانه و سالانه، به لحاظ کمی و کیفی بپردازد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به‌صورت ترکیبی است که به مطالعه محیط، رفتار، تحلیل و ارزیابی مکان و سیاست‌ها و برنامه‌ها با استفاده از موردپژوهی در میدان کوه سنگی مشهد، می‌پردازد. اطلاعات با استفاده از مطالعات اسنادی، پرسش‌نامه‌های بسته‌پاسخ، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌سازمان‌یافته و مشاهدات کنترل‌شده و ناپیوسته گردآوری شده و با استفاده از روش‌های قیاسی، محتوایی، گرافیکی و نرم‌افزار دیت‌مپ و اس‌پی‌اس تحلیل می‌شوند. یافته‌ها نشان می‌دهند که میزان تأثیرات شاخص‌ها در ارتقای اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی به‌شدت تحت تأثیر عامل زمان است؛ به‌طوری‌که غالب شاخص‌ها در برخی از بازه‌های زمانی خاص در جذب افراد به فضا بسیار موفق بوده‌اند. درحالی‌که در بازه‌های زمانی دیگر این‌گونه نبوده و تأثیرات آن‌ها به‌شدت کاهش می‌یابد. هماهنگی و همسازي شاخص‌ها با نیازهای مخاطب در بازه‌های زمانی مختلف تأثیر بسزایی در کارکرد فضایی-اجتماعی فضاهای عمومی و ارتقای اجتماع‌پذیری آن‌ها دارد و ویژگی‌های کالبدی-فضایی مرتبط با شاخص‌های اجتماع‌پذیری فضا در چرخه‌های زمانی مختلف، منطبق با الگوهای رفتاری مطلوب و معمول کاربران و در بالاترین سطح همسازي، فرم، فضا، عملکرد و زمان، بستری مناسب برای وقوع رویدادهای فرهنگی یا بازنمود فیزیکی ارزش‌ها و هنجارهای جمعی و محلی هستند.

واژگان کلیدی | حس زمان، چرخه‌های زمانی، پساپدیدارشناسی، اجتماع‌پذیری، فضاهای باز عمومی.

بستر فعالیت‌های اجتماعی که ایجاد می‌کنند و هم‌از آن‌جهت که بخش زیادی از زندگی روزمره و زندگی جمعی افراد در آن‌ها سپری می‌شود حائز اهمیت هستند و این فضاها بستری را فراهم می‌کنند که تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های متنوع

مقدمه | در میان انواع فضاها فضاهای عمومی هم با توجه به

این مقاله برگرفته از رساله دکتری «شادی ضیایی» تحت عنوان «نقش‌آفرینی حس زمان در تبیین شاخص‌های اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی؛ مطالعه موردی: شهر مشهد» است که به راهنمایی دکتر «احمد میرزا کوچک خوشنویس» و دکتر «سعید پیری» و مشاوره دکتر «مهناز محمودی زرنندی» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال در حال انجام است.

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۳۰۲۷۹۰۵ a.m.khoshnvis@gmail.com

بپردازد. در همین راستا پرسش‌های تحقیق به شرح زیر است:
۱. شاخص‌های اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی مرتبط با حس زمان کدام‌اند؟

۲. میان چرخه‌های زمانی مختلف و سطح شاخص‌های اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی چه ارتباطی برقرار است؟
۳. کدام‌یک از شاخص‌های اجتماع‌پذیری در چرخه‌های زمانی مختلف تغییر می‌یابند و کدام‌یک بیشترین تغییرات را دارند؟
براساس موارد ذکرشده، فرضیه تحقیق این‌گونه تعریف می‌شود که میان شاخص‌های اجتماع‌پذیری مشخص‌شده براساس عامل زمان در فضاهای عمومی با میزان اجتماع‌پذیری این فضاها رابطه معناداری برقرار است.

پیشینه تحقیق

این تحقیق از سه مفهوم عمده اجتماع‌پذیری، حس زمان و فضای عمومی تشکیل شده که هر یک موضوع تحقیقات و پژوهش‌های متعددی بوده‌اند. در خصوص فضای عمومی تحقیقات بی‌شماری انجام شده که شمار بسیاری از این تحقیقات به بررسی ویژگی‌های مثبت فضاهای عمومی پرداخته‌اند (Vivant, 2018; Duivenvoorden, Hartmann, Brinkhuijsen,).
به‌عنوان مثال (Hesselmans, 2021; Motomura et al., 2022). محقق‌پور در مقاله خود به تأثیر این فضاها در زمینه‌سازی ایجاد فضایی برای خاطرات جمعی، تحقق حیات مدنی، گذران اوقات فراغت و... اشاره می‌کند (محقق‌پور و زمانیان، ۱۴۰۰) و همچنین ابرقویی‌فرد فضای عمومی را عرصه‌های ضروری می‌داند که فرصت‌هایی را برای افراد و جوامع در جهت توسعه و غنی‌سازی زندگیشان فراهم می‌کند (ابرقویی فرد، مطلبی و منصور، ۱۴۰۱). یا به تحلیل پیچیدگی‌های رابطه انسان با این‌گونه فضاها پرداخته‌اند (کاغذلو، لادن مقدم و اکبری، ۱۳۹۹؛ Ji & Ding, 2021; Vazquez & Alvarado, 2022). در نتیجه این تحقیقات محققان اجتماع‌پذیری و ویژگی‌های اجتماعی را یکی از عوامل اساسی در فضاهای عمومی می‌دانند (صراف معیری و سهیلی، ۱۴۰۰). از جمله می‌توان به مطالعه‌ای اشاره کرد که در آن (بهرامی، ۱۳۹۰) با بررسی نمونه‌های انتخاب‌شده در سندنج، سعی دارد که بر اساس شناخت درست عوامل مؤثر در سامانه «باور - رفتار - فرم» به یک تعمیم درست در مورد کیفیت و چگونگی سازمان‌دهی فضاهای عمومی اجتماع‌پذیر برسد. برخی پژوهش‌ها نیز به‌طور ویژه به بررسی فضاهای عمومی ایده‌آل و پاسخ‌دهنده در شرایط پاندمی‌هایی چون کرونا پرداخته‌اند (Hassan & Meghdad, 2021). برخی پژوهش‌ها نیز به‌طور خاص به تبیین شاخص‌های اجتماع‌پذیری در عملکردهای معماری پرداخته‌اند؛ مرکز محله (قاضی‌پور، ۱۳۹۷)، پارک جنگلی (Mahmoudi, Sorouri, Zenner & Mafi-Gholami, 2022). پارک شهری (روان‌بخش و میرآبادی، ۱۳۹۷)، بازار (نجاری

افراد در آن‌ها شکل بگیرد. فقدان توجه به عواملی چون رفتار مخاطب، ارتباطات، تاریخ و بستر فرهنگی، ساختارهای اجتماعی و زمان از یک سو و توجه به مکان به‌عنوان ماهیتی ایزوله و ایستا از سوی دیگر، فرایند طراحی فضاهای عمومی را دچار مشکل کرده است و سطح اجتماع‌پذیری این‌گونه فضاها را کاهش داده است. محیط‌های اجتماع‌پذیر موجب تشویق و ترغیب رفتارهای اجتماعی و جمعی می‌شوند و محیط‌های اجتماع‌گریز تحولات اجتماعی را کم می‌کنند. فضای عمومی یک فضای باز و در دسترس برای همگان است که در آن افراد می‌توانند با دیگرانی متفاوت برخورد و ملاقات داشته و در شکل‌گیری یک فرایند متصل و تعاملی انسانی از تجربه ارتباطی شامل حضور، دیدن و شنیدن متقابل مشارکت کنند (ابرقویی فرد، مطلبی و منصور، ۱۴۰۲، ۴۰). بنابراین ضرورت پرداختن به موضوع اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی عبارت‌اند از: ارتقای تعاملات اجتماعی در میان شهروندان، ارتقای حس حضور شهروندان در عرصه‌های مختلف شهری، ارتقای حس تعلق افراد به فضاها، تحکیم نقش فضاهای عمومی در مقیاس‌های مختلف و جلوگیری از کاهش حضور افراد در این فضاها.

مکان یک ماهیت ایستا نیست تا فعالیت‌های پویا در آن شکل بگیرند، بلکه خود آن هم‌زمان با آن فعالیت‌های پویا شکل می‌گیرد و حس واقعی مکان این‌گونه تعریف می‌شود (Dovey, 2015, 56). با نگاهی به پیشینه مفهوم زمان در ادبیات طراحی شهری می‌توان دریافت که عملاً رویکردی انتزاعی به این مفهوم در پژوهش‌های طراحی شهری، به‌عنوان بعد چهارم فضای شهری وجود دارد؛ درحالی‌که از ادبیات گسترده‌ای در ارتباط با مفاهیم ادراک و روانشناسی محیطی در زندگی روزمره غفلت می‌شود. موضوعی که به‌شدت بر ادراک مخاطب از محیط پیرامونش تأثیرگذار بوده و تعریف یک کیفیت برای مکان، همچون کیفیت اجتماع‌پذیری، بدون در نظرگیری بعد زمان، دچار کاستی خواهد بود. از همین رو تحلیل پساپدیدارشناسانه با توجه به نگاه پویا و همه‌جانبه، تمرکز روی کاربران و مخاطبین اصلی فضاهای عمومی و در نظرگیری عامل زمان می‌تواند راهگشا باشد. چراکه در این رویکرد برخلاف رویکرد پدیدارشناسانه، فضاها به‌عنوان ماهیت‌هایی پویا که در بازه‌های زمانی مختلف، پتانسیل‌ها و ویژگی‌های مختلفی از خود نشان می‌دهند، بررسی می‌شوند؛ بنابراین هدف تحقیق این است تا به تبیین شاخص‌های اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی مرتبط با حس زمان پرداخته و رابطه همبستگی میان چرخه‌های زمانی و سطح شاخص‌های اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی را تحلیل کرده و به بررسی چگونگی ارتباط شاخص‌های اجتماع‌پذیری با چرخه‌های زمانی روزانه و سالانه، به لحاظ کمی و کیفی

مبانی نظری

• مفهوم حس زمان

در نگاه سنتی هرچند مکان سه‌بعدی به نظر می‌آید و طراحی دارای سه بعد است، لیکن زمان بعد چهارم مؤثر بر طراحی مکان است (کرمونا، تیسدل و هیت، ۱۳۸۶، ۳۵۶). حس زمان با مفاهیمی همچون ادراک زمان و یا تجربه زمان مرتبط است. حس زمان یک فرد، یک حس و تجربه درونی است و زمان اندازه‌گیری شده (زمان ساعتی)، یک چارچوب بیرونی برای ارتباطات و کار است. به عبارتی دیگر حس زمان مانند حس مکان یک تجربه درونی و شخصی از ادراک زمان است (سوری، رزاقی اصل و فیضی، ۱۳۹۲، ۷۶). این ادراک به عوامل متنوعی مرتبط است. به‌عنوان مثال حس زمان به ادراک تغییرات و رویدادهای واقع در زمان وابسته است. یعنی همان‌طور که ما پدیده‌ها و رویدادها را درک می‌کنیم، زمان وقوع آن‌ها را نیز حس می‌کنیم. شناخت و محک‌زدن همواره در بستر زمان در شهر و فضاهای شهری رخ می‌دهد و می‌توان فضا و زمان را نمایانگرهایی دانست که به ارزیابی مکان‌های شهری کمک می‌کنند (گودرزی، بهزادفر و زیاری، ۱۴۰۰، ۱۱۵).

• ریتم‌های زمانی

ریتم مفهومی است که به‌عنوان نمود عینی زمان در فضای شهری قابل ادراک است. از نقطه‌نظر فیزیکی و روان‌شناختی

نابی و مهدی‌نژاد، ۱۳۹۹) و مجتمع مسکونی (برهانی‌فر، مظهری، تقوایی، وثیق و اشرف‌زاده، ۱۴۰۰)، میدان شهری (Safari & Moridani, 2017)؛ و یا به‌طور خاص به بررسی برخی از شاخص‌هایی چون نورپردازی و امنیت (مشکینی، کمانگر، گل چوبی دیوا و ۱۴۰۰) و سرزندگی (خراسانی‌زاده، صابری، مؤمنی و موسوی، ۱۳۹۹) در این‌گونه فضاها پرداخته‌اند. تصویر ۱ جمع‌بندی شاخص‌های اجتماع‌پذیری فضاهای شهری را که مستخرج از ادبیات مرتبط با موضوع هستند نشان می‌دهد. از سوی دیگر، مفهوم زمان در پژوهش‌هایی چون (احمدنژاد، ۱۳۹۹) به‌طور خاص در معماری در کنار مفاهیمی چون حرکت بررسی شده است و یا صبوحی در پژوهش خود به بررسی عمیق رابطه میان انسان، مکان و زمان می‌پردازد (صبوحی، مسعود و مرادی چادگانی، ۱۳۹۸). در حوزه مطالعات شهری پژوهش‌های اندکی به ریتم‌ها و چرخه‌های زمانی در فضاهای شهری و تأثیرات آن‌ها پرداخته‌اند (Koch & Sand, 2010; Wunderlich, 2008). مروری بر انتشارات و متون تخصصی حاکی از آن است که پژوهشگران به‌ندرت در قالب مطالعه‌ای مستقل و مجزا به بررسی ابعاد و جنبه‌های متفاوت اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی پرداخته‌اند و به‌طور خاص این حوزه مطالعاتی براساس ریتم‌های زمانی مختلف، به‌ویژه با رویکردهای فلسفی جامعی چون پساپدیدارشناسی، کمتر بررسی شده است.



تصویر ۱. شاخص‌های اجتماع‌پذیری فضاهای شهری براساس مرور ادبیات مرتبط با موضوع. مأخذ: نگارندگان.

در نتیجه روش تحقیق همبستگی از نوع علی مقایسه‌ای است که به صورت ترکیبی، قوم‌نگاری و تحلیل محتوا با استفاده از موردپژوهی است. در ابتدا شاخص‌های ارتقای اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی براساس مطالعات اسنادی و مرور ادبیات مرتبط با موضوع، تدوین و دسته‌بندی شد در این پرسش‌نامه، میزان تأثیر هر یک از شاخص‌های اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی در چرخه‌های زمانی مختلف روزانه و سالانه به صورت گویه‌هایی تدوین شد که اندازه‌گیری نگرش‌ها در آن با استفاده از مقیاس لیکرت انجام گرفت. پاسخ‌دهنده میزان موافقت خود را با هر یک از گویه‌ها در یک مقیاس درجه‌بندی شده یک الی پنج نشان می‌دهد. سپس پاسخ آزمودنی به هر یک از گویه‌ها از نظر عددی ارزش‌گذاری می‌شود. برای سنجش روایی پرسش‌نامه ابتدا به صورت پایلوت، طرح اولیه پرسش‌نامه برای ۱۰ نفر از متخصصین ارسال شد. پس از رسیدن به یک توافق جمعی در مورد گویه‌ها، پرسش‌نامه برای متخصصین به صورت پرسش‌نامه الکترونیکی ارسال شد. پرسش‌نامه در این مرحله برای متخصصین حوزه مربوطه شامل مدیران، برنامه‌ریزان و طراحان شهری و معماران که به طور خاص در زمینه پایداری اجتماعی، تعاملات در بدنه‌های شهری و اجتماع‌پذیری این فضاها تخصص دارند، ارسال شد. جامعه آماری در این مرحله شامل متخصصان حوزه طراحی شهری است که در حیطه فضاهای عمومی تخصص دارند و تعداد حدود ۱۰۰ نفر تخمین زده شد. براساس فرمول کوکران با مقدار خطای ۰/۰۵، حجم نمونه ۷۹ نفر است و پاسخ‌دهی بدون در نظرگیری نمونه موردی پژوهش انجام شده است. پایایی پرسش‌نامه‌ها در این مرحله با استفاده از روش آلفای کرونباخ و توسط نرم‌افزار SPSS 25 بررسی شد که مقدار آلفا ۰/۹۳۶ به دست آمده و پایایی پرسش‌نامه را در حد عالی تأیید کرد. براساس نتایج به دست آمده، چارک ابتدایی شاخص‌ها که واجد بیشترین میانگین وزنی بودند، به عنوان شاخص‌های اجتماع‌پذیری که بیشترین تغییرات را در بازه‌های زمانی مختلف دارند، انتخاب شد تا فرایند میدانی تحقیق مورد بررسی قرار گیرند. همچنین مدل‌سازی نمونه موردی توسط نرم افزار دیت مپ انجام شده و اطلاعات گردآوری و از طریق مشاهدات با خروجی‌های این نرم‌افزار به جهت افزایش اعتبار نتایج، مقایسه شد (تصویر ۲). در نهایت، برای سنجش اینکه هر یک از شاخص‌های اجتماع‌پذیری تحت تأثیر عامل زمان، چه میزان تأثیر را در بازه‌های زمانی مختلف در اجتماع‌پذیری فضا داشته‌اند، پرسش‌نامه‌های بسته‌پاسخ جهت امتیازدهی با شاخص‌های نهایی میان کاربران فضا توزیع شد. جامعه آماری در این بخش دوم، مخاطبین این میدان شامل ساکنین، عابری، مسافران هستند که با توجه به نامعلوم بودن تعداد جامعه آماری، براساس فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۸۴ نفر در نظر

ریتیم به صورت انتزاعی به عنوان یک رویداد منظم (که در فواصل زمانی معین رخ می‌دهد) یا به عنوان حرکتی با یک توالی منظم از عناصر ضعیف و قوی و یا به عنوان یک چرخه تعریف می‌شود. تکرار، اندازه‌گیری و حرکت، سه ویژگی اصلی ریتیم‌ها و چرخه‌های زمانی هستند. ریتیم‌ها ارتباط میان جمعیت، فضا و زمان را مشخص می‌کنند. این واحد تکرار شونده می‌تواند شامل جنبش‌های بیانی متفاوتی از جنس حسی، بصری، صوتی و بویایی باشد که به طور منظم یا نامنظم تکرار شوند و در نهایت باهم تلفیق شوند و یا در تضاد قرار گیرند (Mareggi, 2013, 4). تجزیه و تحلیل چرخه‌های زمانی در فضاهای شهری می‌تواند به طراحان کمک کند تا بتوانند با شناخت کامل و جامعی از وضع موجود، با حداقل دخالت کالبدی و ارائه راهکار برای برنامه‌ریزی‌های کالبدی در آینده، کیفیات فضای شهری را متناسب با نیاز گروه استفاده‌کننده ارتقا داده و به شناخت جامع‌تری از محیط دست یابند.

• پساپدیدارشناسی در فضا

برای توصیف چرخه‌های زندگی زمانی-مکانی مردم مختلفی که در یک قلمرو زندگی می‌کنند لازم است تا به افراد و چیزها نزدیک‌تر شد. بررسی یک فضا، صرفاً از طریق نقشه‌های هوایی یا پرسپکتیوهای سه‌بعدی، برای ثبت ریتیم‌ها، جریان‌ها، حرکت‌ها و پرسپکتیوهای فضا در سکانس‌های مختلف کافی نیستند، در مقابل بررسی ادراک مختلفی که افرادی که هرروزه در تعامل با فضا هستند، می‌تواند مفید باشد (Henckel, et al. 2013)؛ بنابراین، مطالعات فضاهای شهری بدون در نظر گرفتن مباحث زمانی کامل نخواهد بود و تحلیل پدیدارشناسانه مکان، بدون در نظر گرفتن چرخه‌های زمانی، نمی‌تواند بازتابی درست از تجربیات زیسته افراد باشند. رویکرد پساپدیدارشناسانه به دنبال شناختی که ماهیتی ایستا نداشته و تأثیر زمان را به موازات سایر ابعاد، در نظر می‌گیرد. از آنجاکه در این پژوهش بررسی کیفیت اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی در چرخه‌های مختلف زمانی صورت می‌گیرد، از این رویکرد برای تحلیل دقیق‌تر موضوع استفاده شده است. در رویکرد پساپدیدارشناسانه، پویایی و ساختارهای اجتماعی به گونه‌ای کامل‌تر از رویکرد پدیدارشناسانه مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این دیدگاه مکان یک رویداد است که زنده بوده و روی خود را به تغییرات باز می‌کند و هم‌زمان با فعالیت‌های پویا شکل می‌گیرد (Talebian & Uraz, 2018).

روش تحقیق

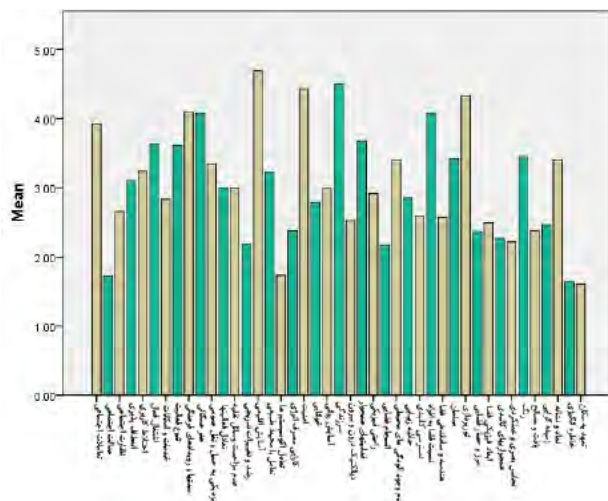
این تحقیق از نوع ترکیبی (کمی-کیفی) با رویکرد غالب پساپدیدارشناسانه است که در آن کارآیی فضاهای عمومی از منظر ارتباط الگوهای رفتاری، باورهای ذهنی و الگوهای کالبدی با چرخه‌های مختلف زمانی بررسی و تفسیر می‌شوند.

مسیر عبور وسایل نقلیه نداشته و همین موضوع، باعث افزایش احساس آرامش در میدان شده است.

حرکت و پیمایش: برای بررسی وضعیت حرکت و پیمایش در نمونه موردی، وضعیت مسیرها، میزان خوانایی^۲ یا یکپارچگی و هم‌پیوندی^۳ فضایی توسط نرم‌افزار دپت مپ تحلیل شده و پس آن خروجی‌های نرم‌افزار با وضعیت برداشت‌شده پیمایش توسط مشاهدات در فضا تطابق داده شد. در تحلیل‌های نرم‌افزار، نقطه ایستادن عابر، ورودی‌های اصلی هر بلوک به دلیل ازدحام فراوان و اولین مواجهه مخاطبین با فضا، در نظر گرفته شده است. این نقاط در تصویر ۶ با فلش سفیدرنگ مشخص شده‌اند. همان‌طور که در گراف خوانایی میدان، سنگی (تصویر ۶) نشان داده شده است، مناطق شرقی میدان، با توجه به نبودن احجام و عناصر عمودی، خوانایی فضایی بیشتری دارند. خوانایی این بخش که ورودی اصلی میدان از سمت خیابان کوه سنگی است تأثیر زیادی در جذب افراد به حضور در فضا داشته است. سمت غربی میدان نیز که دومین ورودی مهم میدان از سمت پارک کوه سنگی است، خوانایی بالایی داشته و این موضوع نیز موجب جذب افراد از سمت پارک به میدان بوده است. از سوی دیگر، با توجه به اینکه این فضا، مهم‌ترین و پرتراکم‌ترین فضای مکث و محل نشستن میدان محسوب می‌شود، خوانایی فضایی در این بخش، موجب افزایش احساس آرامش افراد در استفاده از فضا می‌شود. بنابراین، انطباق گراف خوانایی و گراف هم‌پیوندی نرم‌افزار دپت مپ مشخص می‌سازند، ساماندهی کالبد فضا با نظام حرکتی و فعالیتی فضا در چرخه‌های زمانی مختلف، منطبق بوده و دارای هم‌پیوندی است که این موضوع، موجب ارتقای اجتماع‌پذیری این فضا شده است؛ اما چگونگی پراکندگی ارزش هم‌پیوندی در فضای عمومی میدان کوه سنگی با نیازهای کاربران در آن همبستگی ندارد.

• داده‌های تحلیلی و نسبت آن‌ها با چرخه‌های زمانی روزانه و سالانه

در این قسمت، شاخص‌های ارتقای اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی که بیشترین تغییرات را در چرخه‌های زمانی مختلف دارند (مستخرج از پرسش‌نامه‌های بخش نخست تحقیق)، در بازه‌های زمانی مختلف روزانه و سالانه، در نمونه موردی تحقیق بررسی می‌شوند. برای این منظور با استفاده از پرسش‌نامه‌های بسته‌پاسخ، از مخاطبین فضا خواسته شده است، به میزان تأثیر هر شاخص در هر بازه زمانی مشخص، در حضورشان در فضا از ۱ الی ۵ امتیازدهی کنند. نکته قابل توجه در این قسمت این است که بررسی‌های زمانی در این تحقیق، به این صورت تعریف شده‌اند که برای کلیه تحلیل‌ها برای بازه‌های زمانی روزانه، بازه‌های زمانی روزانه در شلوغ‌ترین فصل سال (تابستان) و برای بازه‌های زمانی سالانه، بازه‌های زمانی



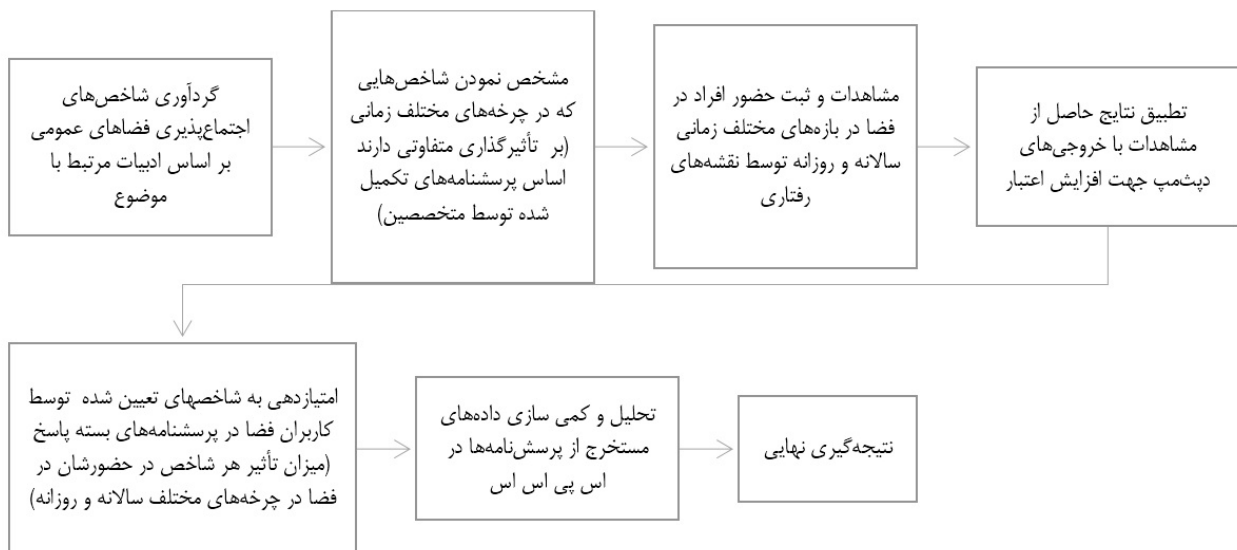
تصویر ۲. میزان فراوانی امتیاز خبرگان در مورد تأثیر شاخص‌های اجتماع‌پذیری در چرخه‌های زمانی مختلف خروجی SPSS. مأخذ: نگارندگان.

گرفته شد و روایی و پایایی پرسش‌نامه‌های این بخش نیز به ترتیب با استفاده از روش دلفی و روش آلفای کرونباخ (۰/۸۳)، پایایی در حد خوب) سنجیده شد. در پرسش‌نامه‌های این بخش از مخاطبین خواسته شده، به میزان تأثیر هر شاخص در حضورشان در فضا، در چرخه‌های مختلف زمانی سالانه و روزانه امتیاز ۱ الی ۵ ثبت کنند. اطلاعات و مشاهدات در دو روز غیر تعطیل و یک روز تعطیل (جمعه) و در فصل تابستان، بهار، پاییز و زمستان در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ و از ساعت ۸ صبح الی ۱۲ شب در چهار بازه زمانی ۴ ساعته (۸ الی ۱۲ صبح، ۱۲ الی ۴ ظهر، ۴ الی ۸ عصر و ۸ الی ۱۲ شب) ثبت شدند. فراوانی و اوزان داده‌ها برای هر شاخص در هر چرخه زمانی توسط نرم‌افزار اسپاس کمی‌سازی و تحلیل شده است. تصویر ۳، فرایند انجام پژوهش را نشان می‌دهد.

یافته‌ها

• ویژگی‌های کالبدی-فضایی نمونه موردی

میدان کوه سنگی در منطقه هشت شهر مشهد و در ضلع شرقی پارک کوه سنگی قرار دارد و به‌عنوان دروازه‌ای برای ورود به این پارک مشهور است. پارک کوه سنگی مشهد، یکی از پارک‌های قدیمی شهر است که به‌خاطر هوای تازه و چشم‌انداز زیبایش، خیلی‌ها چند ساعتی را برای رفتن به آن اختصاص می‌دهند؛ این میدان از شرق به خیابان کوه سنگی می‌رسد که نقطه انتهایی این خیابان مهم است. در شمال میدان برج تجاری-مسکونی مهر قرار گرفته و جداره غربی آن یکی از مهم‌ترین ورودی‌های پارک کوه سنگی قرار دارد. در قسمت جنوبی میدان نیز برج تجاری-اداری در حال احداث است (تصاویر ۴ و ۵). غیر از ضلع غربی، سه ضلع دیگر میدان



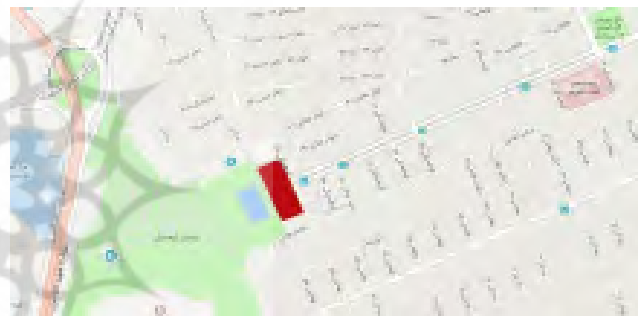
تصویر ۳. فرایند انجام پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

مختلف زمانی در نمودارهای مربوطه سنجیده می‌شود (تصاویر ۷-۹).

• جنسیت

با توجه به تحلیل‌های همبستگی انجام شده توسط نرم‌افزار SPSS، جنسیت افراد با ساعات استفاده از روز رابطه معناداری ندارد (- Pearson correlation = 0.202/0 sig = 0.01)؛ اما جنسیت افراد با بازه‌های زمانی سالانه رابطه معناداری دارد (= Pearson correlation = 0.171/0 sig = 0.01). مشاهدات حاکی از این هستند که شیوه استفاده از فضا و شیوه ارزش‌گذاری آن، میان کاربران مذکر و مؤنث در بازه‌های زمانی مختلف تفاوت‌های قابل توجهی دارد (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

- در بازه زمانی روزانه عصر و بازه سالانه بهار که تعداد کاربران مؤنث بیشترین حد خود است، حتی در فضاهایی که کاربران مؤنث، از نظر تعداد اکثریت کاربران را شامل نشوند، اما اجتماع گروهی آنها در فضاهای عمومی و شیوه استفاده آنها که معمولاً در فضا می‌نشینند و در حال صحبت کردن با هم هستند، تأثیر مشخصی روی الگوهای رفتاری و الگوهای ذهنی سایر کاربران دارد. نیروی جاذبه همجنسان از نیروی دافعه غیرهمجنسان نیز برخوردار است، چراکه کاربران مذکر با حفظ فاصله از کنار اجتماع مؤنث‌ها از فضا عبور می‌کنند. - در بازه‌های زمانی خلوت‌تر و یا تاریک‌تر، بر خلاف کاربران تنهای مذکر که مؤلفه‌های دیگری همچون راحتی فیزیکی، خلوتی دید و منظر مناسب و ... را برای نشستن انتخاب می‌کنند، شاخص امنیت به شدت برای کاربران مؤنث مهم شده و آن‌ها مکان‌های شلوغ‌تر و روشن‌تر را برای مکث انتخاب می‌کنند.



تصویر ۴. موقعیت مکانی میدان کوه سنگی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۵. کاربری‌های اطراف میدان کوه سنگی. مأخذ: نگارندگان.

در شلوغ‌ترین بازه روزانه (عصر) در نظر گرفته می‌شوند. این اوزان برای بازه‌های زمانی روزانه و سالانه کمی‌سازی شده و به صورت نمودارهای جداگانه بررسی می‌شود. در نهایت فرضیه اصلی تحقیق، به‌عنوان میزان تغییرات هر شاخص در بازه‌های

• اثر شاخص‌های اجتماع پذیری بر اجتماع پذیری فضا در بازه‌های زمانی مختلف

جدول ۱ و تصویر ۱۱ نتایج مستخرج از پرسش‌نامه‌ها را به همراه اوزان نهایی نشان می‌دهد. در واقع این جداول مشخص می‌کنند که کاربران هر فضا، به میزان تأثیر هر شاخص در اجتماع‌پذیری در بازه‌های زمانی مختلف روزانه و سالانه چه امتیازی داده‌اند. فراوانی هر بخش توسط SPSS تحلیل شده، وزن کلی و میانگین وزنی برای هر شاخص در هر بازه زمانی محاسبه شده است

امنیت: میانگین وزنی این شاخص نیز در چرخه‌های زمانی روزانه، در بازه عصر جزو بالاترین مقادیر است (۴/۴۳). در حالی که در چرخه‌های زمانی سالانه، در بازه پاییز و زمستان کمترین مقادیر را به خود اختصاص داده است (در پاییز و زمستان به ترتیب ۲/۷۶ و ۱/۶۶).

نورپردازی: میانگین وزنی این شاخص در چرخه‌های زمانی روزانه، در بازه شب جز بالاترین مقادیر است (۴/۲۰)؛ اما در بازه ظهر میانگین وزنی این شاخص ۱ است. اوزان این شاخص در چرخه‌های سالانه در بازه بهار و تابستان کمترین مقادیر را دارد (در بهار و تابستان به ترتیب ۲ و ۱).

شرایط نورپردازی در میدان کوه سنگی تنها در حد روشنایی میدان است. مسلماً در بازه‌های زمانی که امکان استفاده از نور طبیعی در فضا وجود دارد، این شاخص بی‌تأثیر خواهد بود؛ اما در ساعات تاریکی، ارتقای کیفیت این شاخص می‌تواند علاوه بر ارتقای احساس امنیت و خوانایی در فضا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل برای کلیه رده‌های سنی در استفاده از فضا، با افزایش زیبایی فضا به ارتقای کیفیت بصری محیط کمک کند.

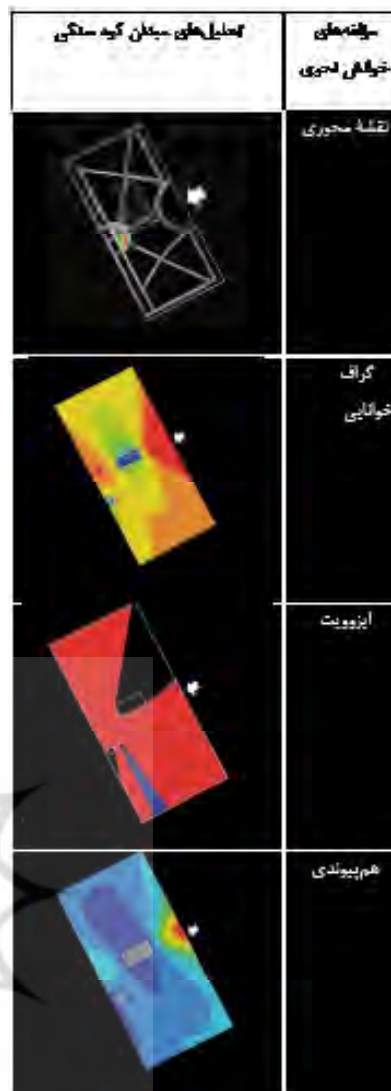
سنت‌ها و رویدادها: میانگین وزنی این شاخص در چرخه‌های زمانی روزانه، در بازه عصر جزو کمترین مقادیر است (۱). در حالی که اوزان این شاخص در چرخه‌های سالانه در بازه پاییز، به دلیل تعدد این رویدادها در فصل پاییز، مقادیر بالایی است (۲/۱۶).

نسبت فضا به افراد: میانگین وزنی این شاخص در چرخه‌های زمانی روزانه، در بازه عصر جزو بالاترین مقادیر است (۴/۵۳). اوزان این شاخص در چرخه‌های سالانه نیز در بازه بهار و تابستان مقادیر بالایی است (در بهار و تابستان به ترتیب ۴/۷۳ و ۴/۵۶).

هنرهای همگانی: میانگین وزنی این شاخص در بازه زمانی ب جزو بالاترین مقادیر است (۳/۹۶). یافته‌ها نشان می‌دهند، این شاخص نیز همچون سنت‌ها و رویدادها کمترین تغییرات را در بازه‌های زمانی مختلف دارد.

آسایش اقلیمی: میانگین وزنی این شاخص در بازه زمانی بهار بالاترین مقدار را در میان سایر شاخص‌ها در بازه‌های مختلف را داراست (۴/۹۶). در چرخه‌های روزانه نیز میانگین وزنی این شاخص در بازه زمانی عصر جزو بالاترین مقادیر است (۴/۶۶).

یافته‌ها مشخص می‌کنند در بازه‌های زمانی روزانه و سالانه

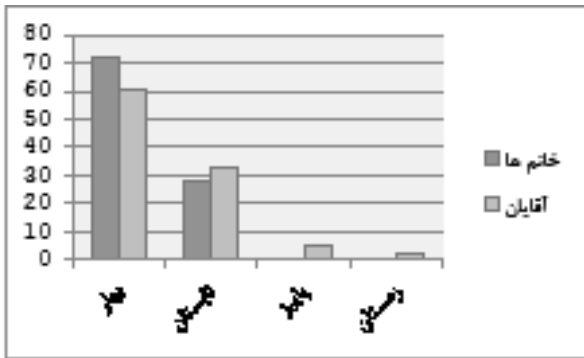


تصویر ۶. مؤلفه‌های خوانش نحوی در میدان کوه سنگی، خروجی دیت مپ، مقیاس: ۱:۵۰۰۰. مأخذ: نگارندگان.

در بازه‌های زمانی شلوغ‌تر (عصرها و فصل بهار و تابستان) کاربران مذکر نسبت به کاربران مؤنث، تمایل بیشتری به استراحت در فضا، دیدن رویدادها و دیدزنی دارند. این در حالی است که کاربران مؤنث تمایل بیشتری به صحبت کردن در فضا و تعامل با سایرین در کنار دیدن و کنترل رویدادها دارند.

- حضور کاربران مذکر در فضا نسبت به کاربران مؤنث تأثیر بیشتری از کاربری‌های مجاور در بازه‌های زمانی خلوت‌تر دارد. در این بازه به دلیل کثرت کاربران مذکر در فضا، کاربران مؤنث ماندگاری کمتری در فضا داشته و با سرعت بیشتر از فضا عبور می‌کنند.

- مکان‌های منتخب کاربران مذکر در بازه‌های زمانی مختلف، می‌تواند تعریف و حدود فضایی کاملاً مشخصی نداشته باشد؛ مانند سطوح چمن، گوشه‌های دنج یا فضای بین درختان. در صورتی که کاربران مؤنث فضاهای تعریف‌شده به لحاظ کالبدی را برای مکت انتخاب می‌کنند.



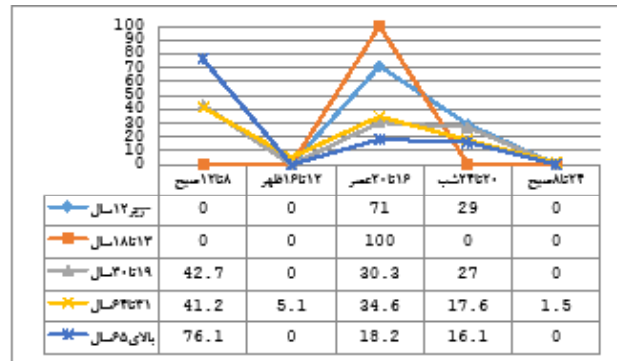
تصویر ۱۱. رابطه میان جنسیت کاربران میدان با چرخه‌های زمانی سالانه در میدان کوه سنگی. مأخذ: نگارندگان.

که آسایش اقلیمی در فضا وجود دارد، سایر شاخص‌ها نیز تأثیرات مثبت‌تری داشته‌اند. احساس لذت و رضایتمندی زمانی اتفاق خواهد افتاد که فرد به حد نسبی از آسایش جسمی و روحی (آسایش محیطی) رسیده باشد. از همین رو ضروری است که در اوج گرمای تابستان و سرمای زمستان با هدف ارزیابی شرایط گرمایی آن و مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد خرد اقلیم مناسب و ارائه یک چهارچوب کلی برای ساماندهی فضای عمومی باز شناسایی و تدوین شود.

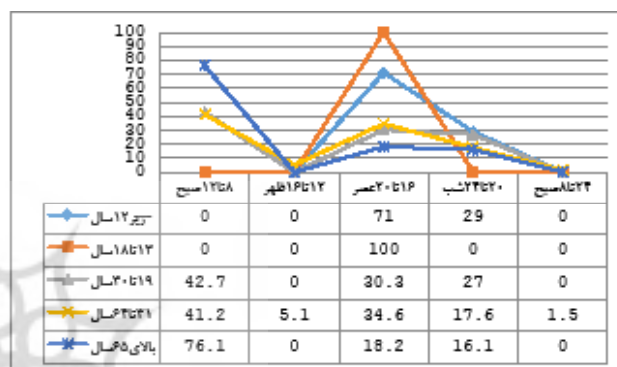
این بخش از یافته‌ها، میزان رابطه میان هر شاخص با تغییرات زمان را نشان می‌دهد. بر این اساس مشخص می‌شود، میان تأثیر شاخص‌های ارتقای اجتماع‌پذیری بر اساس عامل زمان با میزان اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی رابطه معناداری برقرار است و شاخص‌های امنیت، نسبت فضا به افراد، تعاملات اجتماعی و تنوع فعالیت بیشترین تغییرات را در چرخه‌های مختلف زمانی دارند و شاخص‌های هنرهای همگانی، سنت‌ها و رویدادها و کاربری‌های همجوار کمترین میزان تغییرات را در بازه‌های زمانی مختلف دارند (تصویر ۱۲).

بر اساس جمع‌بندی یافته‌ها، در تصویر ۱۳ شاخص‌ها به ترتیب تأثیرپذیری از چرخه‌های زمانی مختلف نمایش داده شده‌اند. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند، شاخص‌های اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی در بازه‌های زمانی مختلف به شدت به یکدیگر وابسته‌اند؛ به طوری که در بسیاری از موارد، تأثیرات آن‌ها در افزایش اجتماع‌پذیری فضا را می‌بایست در کنار هم بررسی کرد. تصویر ۱۴، میزان ارتباط این شاخص‌ها را بر اساس یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد.

آنچه در این میان حائز اهمیت است، توجه و تأکید بیشتر بر بازه‌های زمانی است که هر کدام از شاخص‌ها در طراحی فضاهای عمومی مورد غفلت واقع شده‌اند. در واقع پرداختن به این شاخص‌ها در بازه‌های زمانی مذکور ضرورت بیشتری داشته و در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی، یا ارتقای فضاهای موجود، می‌بایست در اولویت قرار گیرند. تصویر ۱۵



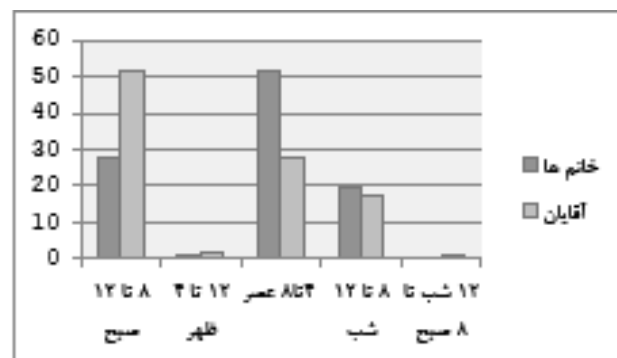
تصویر ۷. رابطه میان رده سنی کاربران میدان کوه سنگی با چرخه‌های زمانی روزانه. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۸. رابطه میان رده سنی کاربران میدان کوه سنگی با چرخه‌های زمانی سالانه. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۹. رابطه میان چهار مؤلفه هم پیوندی، عمق نسبی، آنتروپی بصری، ارتباط بصری میدان کوه سنگی با چرخه‌های زمانی سالانه. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۰. رابطه میان جنسیت کاربران میدان کوه سنگی با چرخه‌های زمانی روزانه در میدان کوه سنگی. مأخذ: نگارندگان.

تحلیل پساپدیدارشناسانه تأثیر حس زمان بر شاخص‌های... [شادی ضیایی و همکاران

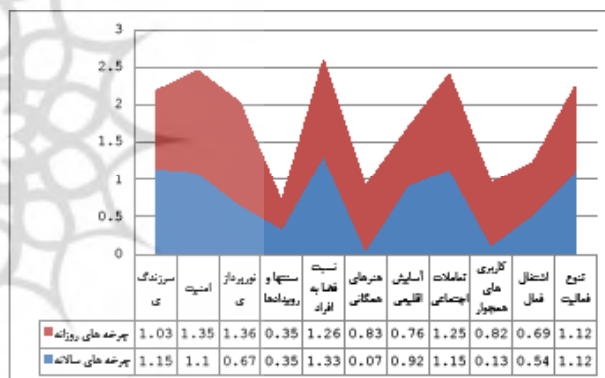
جدول ۱. اوزان مستخرج از پرسش‌نامه‌ها برای میزان تأثیر شاخص‌های اجتماع‌پذیری بر حضور افراد در فضا در بازه‌های زمانی سالانه و روزانه. مأخذ: نگارندگان.

شاخص‌های ارتقای اجتماع‌پذیری	میانگین وزنی در چرخه‌های روزانه				میانگین وزنی چرخه‌های سالانه				واریانس در چرخه‌های روزانه	انحراف معیار در چرخه‌های روزانه	واریانس در چرخه‌های سالانه	انحراف معیار در چرخه‌های سالانه
	صبح	ظهر	عصر	شب	بهار	تابستان	پاییز	زمستان				
سرزندگی	۴۸/۳	۱/۷۰	۴/۵۹	۳/۳۷	۴/۴۷	۴/۶۶	۲/۹۰	۱/۸۶	۱/۰۶	۱/۰۳	۱/۳۳	۱/۱۵
امنیت	۵۰/۴	۱/۷۶	۴/۴۳	۱/۷۶	۴/۳۰	۴/۲۶	۲/۷۶	۱/۶۶	۱/۸۲	۱/۳۵	۱/۲۲	۱/۱
نورپردازی	۱	۱	۳	۴/۲۰	۴/۳۰	۴/۲۶	۲/۷۶	۱/۶۶	۱/۸۷	۱/۴۶	۱/۲۲	۱/۱
سنت‌ها و رویدادها	۱/۵۶	۱	۲/۵۰	۱/۷۳	۲/۷۶	۲/۹۶	۲/۱۶	۲/۱۶	۰/۲۸	۰/۵۳	۰/۱۲	۰/۳۵
نسبت فضا به افراد	۳/۷۶	۱/۴۶	۴/۵۳	۴/۵۶	۴/۵۶	۴/۷۳	۲/۵۹	۱/۵۶	۱/۶۰	۱/۲۶	۱/۷۸	۱/۳۳
هنرهای همگانی	۱	۱	۲/۴۳	۲/۸۶	۳/۹۶	۴/۳۰	۳/۶۵	۳/۷۲	۰/۶۹	۰/۸۲	۰/۰۶	۰/۲۵
آسایش اقلیمی	۴/۵۳	۲/۷۹	۴/۶۶	۳/۵۳	۴/۹۶	۴/۱۹	۲/۹۶	۲/۶۷	۰/۵۸	۰/۷۶	۰/۸۵	۰/۹۲
تعاملات اجتماعی	۳/۹۳	۱/۶۰	۴/۸۸	۲/۷۹	۴/۷۰	۴/۷۵	۳/۳۳	۱/۹۴	۱/۵۶	۱/۲۵	۱/۳۳	۱/۱۵
کاربری‌های همجوار	۱/۹۲	۱/۴۶	۳/۷۳	۳/۰۵	۳/۳۲	۳/۰۶	۳/۰۶	۲/۹۲	۰/۶۷	۰/۸۲	۰/۰۱	۰/۱۳
اشتغال فعال	۱/۸۶	۱/۴۶	۳/۳۳	۲/۲۰	۲/۸۳	۲/۷۶	۱/۷۹	۱/۶۳	۰/۴۸	۰/۶۹	۰/۲۹	۰/۵۴
تنوع فعالیت	۳/۹۶	۱/۳۹	۴/۳۰	۲/۹۹	۴/۳۰	۳/۹۰	۲/۶۸	۱/۹۵	۱/۲۷	۱/۱۲	۰/۸۸	۰/۹۴

این اولویت‌بندی را براساس یافته‌های تحقیق، برای توجه به هر کدام از شاخص‌های اجتماع‌پذیری مورد بررسی در بازه‌های زمانی مختلف نشان می‌دهد.

بحث

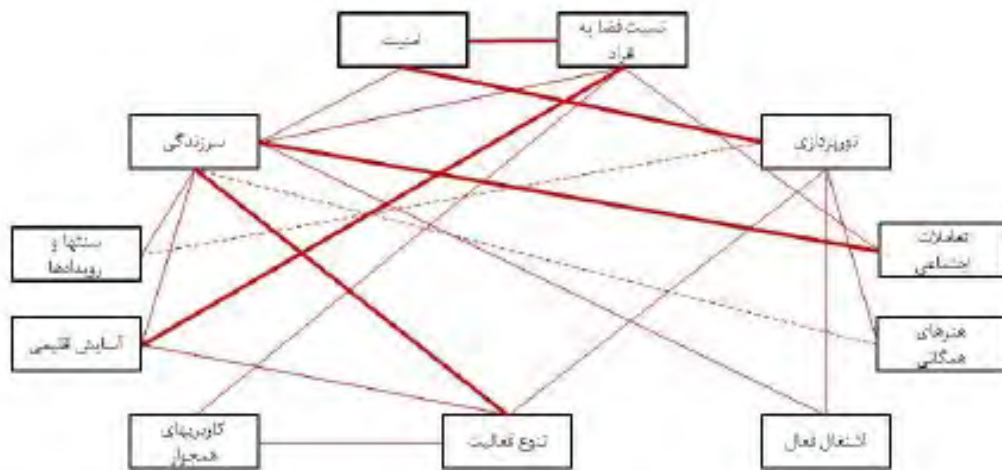
همان‌طور که پیش‌تر ارائه شد، نتایج مستخرج از مشاهدات و نقشه‌های رفتاری با خروجی‌های دب‌تمپ منطبق بوده که به معنای انطباق ساماندهی کالبد فضا با نظام حرکتی و فعالیتی فضا در چرخه‌های زمانی مختلف، است و فضا دارای هم‌پیوندی، توزیع‌پذیری و همگنی مناسب است که این موضوع، موجب ارتقای اجتماع‌پذیری میدان کوه سنگی شده است. در واقع چگونگی پراکندگی ارزش هم‌پیوندی در فضای عمومی میدان کوه سنگی با چگونگی حرکت عابران در آن همبستگی دارد. در مورد تحلیل شاخص‌های اجتماع‌پذیری نیز، غالب شاخص‌ها در برخی از بازه‌های زمانی خاص در جذب افراد به فضا بسیار موفق بوده‌اند. در حالی که در بازه‌های زمانی دیگر این‌گونه نبوده و تأثیرات آن‌ها به شدت کاهش می‌یابد. آنچه از یافته‌های تحقیق مشخص است، در وضعیت موجود میدان کوه سنگی، وضعیت تنوع و نوع فعالیت‌های همجوار، میزان سرزندگی فضا در چرخه‌های زمانی مختلف و تعاملات اجتماعی با توجه به حضور قشرهای مختلف مردم در میدان در حد قابل قبولی است. خروجی‌های دب‌تمپ نیز میزان نفوذپذیری و خوانایی میدان را در حد قابل قبول تأیید کرده‌اند و این نشان می‌دهد میدان به لحاظ کالبدی، پتانسیل مناسب برای افزایش حضور افراد را دارد. همچنین وضعیت



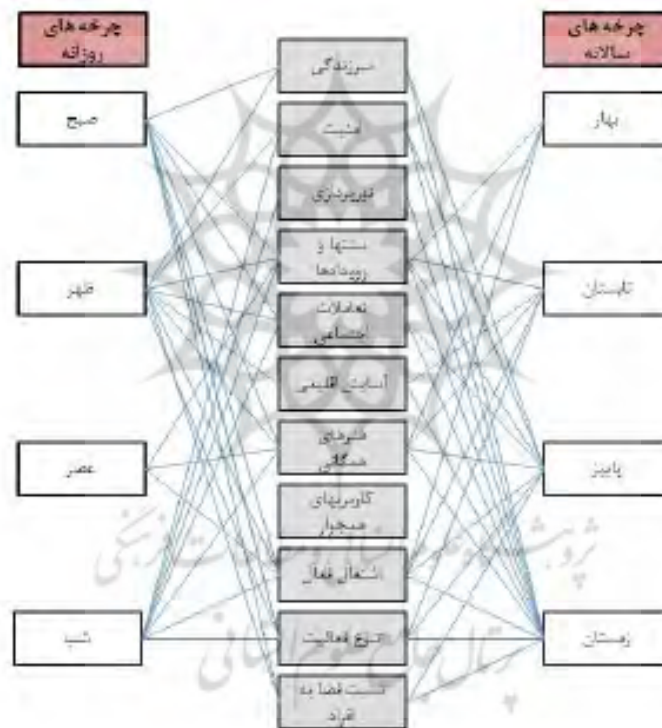
تصویر ۱۲. مقایسه میزان انحراف معیار تأثیر شاخص‌های ارتقا اجتماع‌پذیری در حضور افراد در فضا در بازه‌های زمانی سالانه و روزانه. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۳. تأثیرپذیری شاخص‌های ارتقای اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی از چرخه‌های زمانی روزانه (سمت راست) و چرخه‌های زمانی سالانه (سمت چپ) در میدان کوه سنگی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۴. میزان تأثیرپذیری شاخص‌های مورد بررسی بر یکدیگر در چرخه‌های زمانی مختلف، خطوط پررنگ‌تر نشان‌دهنده بیشترین میزان تأثیرپذیری است. مأخذ: نگارندگان.



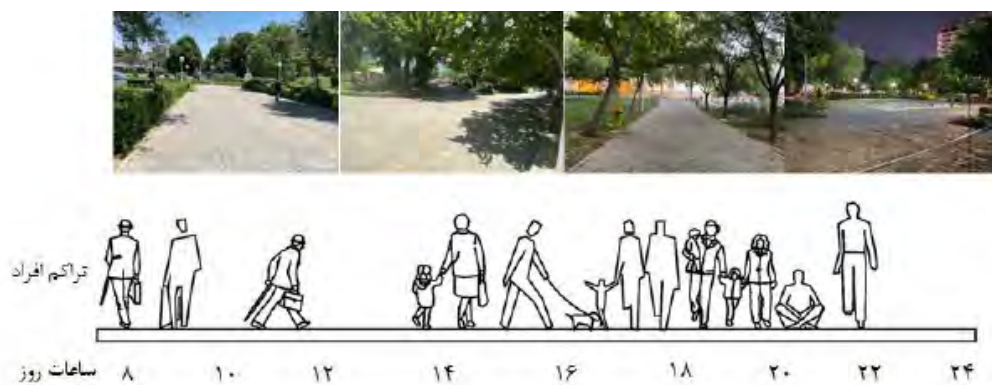
تصویر ۱۵. اولویت‌بندی پرداختن به شاخص‌های ارتقای اجتماعی‌پذیری فضاهای عمومی در بازه‌های زمانی مختلف. مأخذ: نگارندگان.

از فضاهای عمومی را برای ظهور آنها تئوریزه کرد (تصاویر ۱۶ و ۱۷).

نتیجه‌گیری

یافته‌ها بر این مسئله تأکید دارند که هماهنگی و همسازی شاخص‌ها با نیازهای مخاطب در بازه‌های زمانی مختلف تأثیر بسزایی در کارکرد فضایی-اجتماعی فضاهای عمومی و

بسیار مناسب آسایش اقلیمی موجود در میدان بستر مناسبی برای پرداختن به سایر شاخص‌ها را ایجاد کرده است. نتایج نشان می‌دهند که بخشی از باورهای جمعی و محلی کاربران مشهدی که معطوف به رویدادهای نمایشی، شاد و جشنی هستند، می‌توانند منبعی بالقوه برای سازماندهی مجدد فضاهای عمومی در بازه‌های زمانی مختلف، در این شهر باشند، بنابراین با تمرکز روی این رویدادها می‌توان جنبه‌های دیگری



تصویر ۱۶. تراکم افراد در ساعات مختلف روز در میدان کوه سنگی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۷. تراکم افراد در فصل‌های مختلف سال در میدان کوه سنگی، مأخذ: نگارندگان.

شاخص‌ها با نیازهای مخاطب در بازه‌های زمانی مختلف تأثیر بسزایی در کارکرد فضایی-اجتماعی فضاهای عمومی و ارتقای اجتماع‌پذیری آن‌ها دارد. در نهایت هدف همسازي مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری بالا بردن تعاملات اجتماعی، ایجاد تمایل در کاربران به اداره فضا و شرکت در رویدادهای آن، ایجاد ارتباط عمیق‌تر بین کاربران و محیط (فرم و رویدادها)، معنادار کردن و باارزش کردن فضا و همچنین ماندگار کردن طولانی‌مدت افراد در فضا است. این تحقیق نشان می‌دهد کاربران مؤنث، سالمندان و کودکان خواسته‌ها و نیازهای خود را به صورت بسیار جدی در فضاهای عمومی دنبال می‌کنند. حضور آنها گرچه در فضاهای عمومی کم‌تعداد و محدود به ساعات و مکان‌های خاص است، اما به‌رحال روی الگوهای رفتاری سایر کاربران تأثیر مشخص دارند، بنابراین تمرکز روی این دسته از کاربران می‌توان یافته‌های تحقیق را گسترش دهد. براساس جمع‌بندی یافته‌های تحقیق، استراتژی‌های پیشنهادی برای ارتقای سطح اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی در بازه‌های زمانی مختلف در جدول ۲ ارائه شده است.

ارتقای اجتماع‌پذیری آن‌ها دارد. همچنین، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند، شاخص‌های اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی در بازه‌های زمانی مختلف به شدت به یکدیگر وابسته‌اند؛ به طوری که در بسیاری از موارد، تأثیرات آن‌ها در افزایش اجتماع‌پذیری فضا را می‌بایست در کنار هم بررسی کرد. تحقیق در بخش کیفی به این پرسش پژوهش که شاخص‌های ارتقای اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی کدام‌اند و کیفیت و کمیت حضور مخاطب در فضاهای عمومی با توجه به این شاخص‌ها در بازه‌های زمانی مختلف چگونه است، با تبیین یک ساختار ادراکی متشکل از شاخص‌های متغیر در بازه‌های زمانی مختلف روزانه و سالانه پاسخ داده است. تکرار مصاحبه‌ها و مشاهدات، در راستای پیگیری این مدل مفهومی در نمونه مورد بررسی بود. از طرفی در تصدیق بیان فوق، تحلیل‌های کمی، مؤید رابطه همبستگی میان چرخه‌های زمانی با اجتماع‌پذیری فضاست (براساس فرضیه تحقیق). به طوری که میان چرخه‌های زمانی با میزان اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی رابطه‌ای معنادار وجود دارد. یافته‌ها بر این مسئله تأکید دارند که هماهنگی و همسازي

دسته‌بندی	شاخص	ریتم	استراتژی‌ها
انسانی	امنیت	فضایی	- لزوم توجه به ساختارهای اصلی که باید در طول زمان ثابت بمانند تا باعث ایجاد حس تعلق شوند؛
		اجتماعی	- تأثیر توجه به ریتم‌های ۲۴ ساعته و طراحی براساس آن‌ها برای افزایش ایمنی و امنیت اجتماعی، شامل جرم و ترس از جرم
		طبیعی	- افزایش خوانایی و غنای حسی فضای شهری از طریق طراحی محیطی براساس چرخه‌های زمانی، مانند تغییر فصول؛
	فعالیت‌های همجوار	فضایی	- پیوند فضا-زمان-مکان: حضور بعد چهارم زمان در فضا و بروز زمان‌های ملموس یا واجد ضرب‌آهنگ منطبق با نیازهای مخاطبین کاربری‌های همجوار.
		اجتماعی	- شناسایی ضرب‌آهنگ‌های زمانی متأثر از فعالیت‌های همجوار در فضا؛ - تبلور زمان اجتماعی فعالیت‌های همجوار در فضا.
		طبیعی	- شناسایی نیازهای فیزیولوژیک
	تعاملات اجتماعی	فضایی	- فضا دارای ساختار تناوبی نسبتاً انعطاف‌پذیر برای توالی‌های قابل انعطاف از انواع فعالیت‌ها شامل تفریح، استراحت و تمدد اعصاب در فضای عمومی که دوره زمانی ثابت ندارند.
		اجتماعی	- درهم‌آمیختگی فضای اجتماعی با فعالیت‌های اجتماعی سوزه‌ها (فردی و جمعی)؛
		طبیعی	- محوریت بدن انسان در خلق فضای شهری برای ایجاد بستر مناسب تعاملات اجتماعی.
	سرزندگی	فضایی	- کشف جنبه‌های مخفی و ناپیدای ساختارهای ریتمیک فضا به منظور توجه به جنبه‌های زیبایی شناسی گذر زمان بر کالبد فضا، همچون حرکت سایه.
		اجتماعی	- ایجاد سرزندگی محیطی از طریق اختلاط عملکردی در ساعات مختلف شبانه‌روز؛ - لزوم حضور مردم در ساعات مختلف شبانه‌روز برای خلق فضاهای موفق و متنوع.
		طبیعی	- استفاده از ساختارهای ریتمیک چرخه‌های زمانی مختلف، مثل فصول مختلف یا تغییرات نور طبیعی در چرخه‌های روزانه برای ایجاد سرزندگی در فضا
	عملکردی	فضایی	- بررسی تأثیر و تأثر فرهنگ و ادراک فضایی - ساماندهی فرم در طیفی از طراحی رسمی تا غیررسمی
		اجتماعی	- افزایش عملکرد فضاهای شهری، به خصوص فضاهای تک عملکردی و امکان استفاده بهینه از آن‌ها در دوره‌های مختلف زمانی.
		طبیعی	طراحی منعکس‌کننده گذر زمان و تفاوت ادراک منظر، ایجاد بستر مناسب برای فعالیت‌های مختلف در ساعات و فصول مختلف.
	سنت‌ها و رویدادها	فضایی	- ایجاد بستر مناسب برای فعالیت پایدار مراسم و رویدادهای مختلف که بنابر مقتضیات زمان شکل می‌گیرند؛ - وجود معیارهایی یگانه و مختص هر فضا در ضرب‌آهنگ‌ها به دلیل ویژگی‌های بومی بستر.
		اجتماعی	- خوانش تأثیر اتفاقات فرهنگ بر تجربه زیسته اجتماعی براساس شواهد موجود.
		طبیعی	ثبت گذر تدریجی زمان در کالبد فضا برای ایجاد خاطره جمعی از رویدادهای مختلف.
	هنر همگانی	فضایی	- تبیین تأثیر متقابل فرهنگ، رویدادهای هنری، شکل حضور و ضرب‌آهنگ‌های ناشی از آن در فضا، امکانات کالبدی لازم برای برگزاری این رویدادها در بازه‌های زمانی مختلف.
		اجتماعی	- تبیین تأثیر متقابل هنر و حضور در فضا و مصرف آن (تبیین تأثیر فعالیت‌های آیینی، تغذیه، پوشش، آرایش، زبان و گویش، سلیقه و ترجیحات زیبایی‌شناسی، رنگ‌ها، موسیقی و ترانه‌های محلی، ادبیات و هنر).
		طبیعی	تبیین تأثیر متقابل رویدادهای هنری با وضعیت اقلیمی و نیازهای بیولوژیک کاربران با رده‌های سنی مختلف و در چرخه‌های زمانی متفاوت (به‌ویژه بازه‌های زمانی خارج از وضعیت آسایش اقلیمی)
			استفاده از نوعی از هنر عمومی برای فضاهای عمومی که هم حاوی معانی محلی باشد
	اشتغال فعال	فضایی	- ایجاد بستر کالبدی مناسب برای حضور مشاغل مختلف موقت براساس نیازهای کاربران در بازه‌های زمانی مختلف.
		اجتماعی	- امکان توسعه اقتصادی و جذب توریسم از طریق تراکم مشاغل فعال در بازه‌های زمانی مختلف؛
		طبیعی	- شناخت نیازهای فیزیولوژیک مشاغل مناسب فضاهای عمومی در بازه‌های زمانی مختلف

دسته‌بندی	شاخص	ریتم	استراتژی‌ها
کالبدی	نورپردازی	فضایی	- ایجاد تصویر ذهنی مثبت از شهر با توجه به نورپردازی شبانه؛ - تجربهٔ متفاوت شهر در شب، نورپردازی مناسب معایب شهر را می‌پوشاند و منظر زیبایی از آن عرضه می‌کند.
		اجتماعی	- ارتقای حس امنیت در به ویژه در بازه‌های زمانی خلوت در فضا با وجود نورپردازی دارای کیفیت و کمیت مناسب.
		طبیعی	- هماهنگی مناسب نور مصنوعی با تغییرات نور طبیعی در چرخه‌های زمانی مختلف.
	آسایش اقلیمی	فضایی	- تبیین تأثیر متقابل اقلیم و مؤلفه‌های کالبدی در محیط مصنوع (شاخص‌هایی مانند تأثیر اقلیم و آسایش اقلیمی بر مؤلفه‌های کالبدی، استقرار و هم‌جواری‌ها، هندسهٔ فضای عمومی، مؤلفه‌های تأمین ایمنی) بر اساس بازه‌های زمانی که آب و هوا در وضعیت آسایش انسان قرار ندارد.
		اجتماعی	تبیین تأثیر متقابل اقلیم، حضور در فضا و چگونگی استفاده از آن شاخص‌هایی مانند تعیین انواع فعالیت‌های انجام‌شده
		طبیعی	- تبیین تأثیر متقابل اقلیم و نظم فضای عمومی حاصل از عناصر طبیعی (شاخص‌هایی مانند تبیین تأثیر نظم آب، گیاه، خاک و هوا بر فضا) در بازه‌های زمانی که آب و هوا در وضعیت آسایش انسان قرار ندارد؛ - امکان طراحی شهرها متناسب با ریتم‌های دوره‌های طبیعی، به‌عنوان مثال استفاده از هوای خنک شب به خصوص در مناطق گرمسیری.
	نسبت فضا به افراد	فضایی	- تبیین تأثیر متقابل تراکم افراد و عناصر کالبدی در محیط مصنوع (شاخص‌هایی مانند تأثیر تراکم بر مؤلفه‌های کالبدی، استقرار و هم‌جواری‌ها، هندسهٔ فضاهای شهری، مؤلفه‌های تأمین ایمنی).
		اجتماعی	- افزایش زمان در دسترس مردم و کاهش برخوردهای اتفاقی و غیرمنتظره در نتیجهٔ آن
		طبیعی	- شناخت تأثیرات منفی ازدحام بر مخاطبین با رده‌های سنی مختلف و آستانهٔ تحمل هر کدام برای ازدحام (این آستانه در بازه‌های زمانی مختلف نیز متغیر است)؛ - پیش‌بینی نسبت فضا به افراد برای جلوگیری از وقوع ازدحام و خلوتی که موجب اجتماع‌گریزی فضا می‌شود.

پی‌نوشت

1. Depthmap: این نرم‌افزار به تحلیل فضا، بر اساس تئوری چیدمان فضا می‌پردازد. اسپیس سینتکس Space Syntax یا چیدمان فضا در واقع یک روش تحلیلی در زمینهٔ برنامه‌ریزی و طراحی شهری است. این تکنیک یکی از تکنیک‌های مفید شهرسازی برای درک پیچیدگی و رابطه فضایی و عملکردی شهر است.
2. Visibility graph
3. Integration: آنالیز هم‌پیوندی یکی از انواع آنالیز VGA است. در این سطح برای شعاع ۳، (Int-R3) و به منظور شناسایی ساختار منطقه‌ای و محلی محاسبه شده است.
4. Isovist analysis: در این آنالیز دیدهای ۱۸۰ درجه از فضاهای مکث هر بخش از میدان‌ها که بر اساس مشاهدات میدانی مشخص شده بودند بررسی شده است.

فهرست منابع

- ابرقویی فرد، حمیده؛ مطلبی، قاسم و منصوری، سید امیر. (۱۴۰۱). مروری روایی بر نظریه‌های مرتبط با مفهوم فضای عمومی در شهر. *باغ نظر*، ۱۶(۱۹)، ۸۵-۱۰۲.
- ابرقویی فرد، حمیده؛ مطلبی، قاسم و منصوری، سید امیر. (۱۴۰۲). نظریهٔ شکل خوب فضای عمومی، مروری انتقادی بر معیارهای شکل‌گیری فضای عمومی کارآمد. *باغ نظر*، ۱۲(۲۰)، ۳۷-۵۴.
- احمدنژاد، فرهاد. (۱۳۹۹). بررسی مفاهیم حرکت و زمان در معماری ایرانی. *معماری‌شناسی*، ۳(۱۵)، ۸-۱.
- برهانی‌فر، سحر؛ مظهری، محمدابراهیم؛ تقوایی، ویدا؛ وثیق، بهزاد و اشرف‌زاده، رضا. (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اجتماع‌پذیری مجتمع‌های مسکونی با رویکرد حفظ خلوت. *مطالعات شهری*، ۱۰(۳۸)، ۹۱-۱۰۶.
- بهرامی، بختیار. (۱۳۹۰). بررسی تعامل سازمان‌های فضایی و روابط اجتماعی در فضاهای عمومی، مطالعه موردی شهر سنندج. (پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد معماری). دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
- خراسانی‌زاده، فرنوش؛ صابری، حمید؛ مؤمنی، مهدی و موسوی، میرنجم. (۱۳۹۹). تبیین ساختاری عوامل مؤثر بر سرزندگی در فضاهای عمومی شهری اصفهان از دیدگاه شهروندان و گردشگران. *جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۴(۷۲)، ۱۵۱-۱۸۱.
- روان‌بخش، احمد و میرآبادی، مصطفی. (۱۳۹۷). تبیین و تحلیل اجتماع‌پذیری در پارک‌های شهری با تأکید بر نقش عوامل زمینه‌ای و دموگرافیک نمونهٔ موردی: پارک ساحلی شهر یاسوج، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹(۳۳)، ۱۱۱-۱۲۴.
- سوری، الهام؛ رزاقی اصل، سینا و فیضی، محسن. (۱۳۹۲). مفهوم حس زمان و کاربرد آن در طراحی شهری. *هویت شهر*، ۷(۱۳)، ۷۳-۸۲.
- صبحی، عفت؛ مسعود، محمد و مرادی چادگان، داریوش. (۱۳۹۸). تداوم مکان در گذر زمان در تعامل با انسان. *صفه*، ۲۹(۸۵)، ۹۶-۱۱۴.
- صراف معیری، پگاه و سهیلی، جمال‌الدین. (۱۴۰۰). تبیین تأثیرگذاری مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری فضاهای باز شهری بر توسعهٔ مفهوم گردشگری. *مدیریت شهری*، ۴۷(۱۳)، ۶۰-۷۲.
- قاضی‌پور، سیامک. (۱۳۹۷). تحلیل مکانمندی و زمانمندی الگوهای اجتماعی فعالیت روزمره زنان در محله سنگلج تهران. *مطالعات شهری*، ۸(۲۹)، ۸۵-۹۸.

Nolli map method. *Frontiers of Architectural Research*, 10(3), 540-554.

- Koch, D. & Sand, M. (2010). Rhythmanalysis-rhythm as mode, methods and theory for analyzing urban complexity. In M. Aboutorabi & A. Wesener (eds.), *Urban Design Research: Method and Application*. Proceedings of the International Conference held at Birmingham City University 3-4 December 2009. Birmingham: BCU Publication.
- Mahmoudi, B., Sorouri, Z., Zenner, E. & Mafi-Gholami, D. (2022). Development of a new social resilience assessment model for urban forest parks. *Environmental Development*, 43, 32-41.
- Mareggi, M. (2013). Urban rhythms in contemporary city. *Space-time Design of Public City*, 15, 3-20.
- Motomura, M., Koohsari, M.J., Lin, C., Ishi, K., Shibata, A. ... Oka, K. (2022). Associations of public open space attributes with active and sedentary behaviors in dense urban areas: A systematic review of observational studies. *Health and Place*, 75, 75- 87.
- Safari, H., & Moridani, F.F. (2017). Syntactical analysis of the accessibility and sociability of a square in the Kuala Lumpur City Center. *Frontiers of Architectural Research*, 4(6), 456-468.
- Talebian, N. & Uraz, T. (2018). The post-phenomenology of place: moving forward from phenomenological to post-structural readings of place. *Open House International*, 43(2), 13-21.
- Vazquez, S., Alvarado, C.C. (2022). The perception of public spaces in Mexico city, a governance approach. *Journal of Urban Management*, 11, 72-81.
- Vivant, E. (2018). Experiencing research-creation in urban studies, Lessons from an inquiry on the making of public space. *Cities*, 77, 60-66.
- Wunderlich, F. (2008). Walking and Rhythmicity: Sensing Urban Space. *Journal of Urban Design*, 1(13), 125-139.

- کاغذلو، زهرا؛ لادن مقدم، علیرضا و اکبری، سعید. (۱۳۹۹). ارزیابی تأثیرات کیفیت منظر شهری در ارتقای پیاده‌مداری در فضاهای عمومی شهری (مورد مطالعه: شهر رامیان). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۴۰(۱۱)، ۹۱-۱۰۶.
- کرمونا، متیو؛ تیسدل، استیون و هیت، تیم. (۱۳۸۶). مکان‌های عمومی، فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری (ترجمه فریبا قرائی و دیگران). تهران: دانشگاه هنر.
- گودرزی، غزاله؛ بهزادفر، مصطفی و زیاری، یوسفعلی. (۱۴۰۰). ارائه مدل مفهومی مکان در هم‌نوایی نمایانگرهای زمان و فضا. نمونه موردی: امامزاده یحیی تهران. معماری و شهرسازی ایران، ۱۲(۲)، ۱۰۳-۱۱۷.
- محقق‌پور، یاسمن و زمانیان، روزبه. (۱۴۰۰). تدوین راهبردهای ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی میدان امام حسین و پیاده‌راه ۱۷ شهرپور با تأکید بر رویکرد حکمروایی نوآورانه شهری. علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۲۳(۵)، ۲۶۹-۲۸۹.
- مشکینی، ابوالفضل، کمانگر، سارا، گلچوبی دیوا، شهریانو. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر نورپردازی در بهبود امنیت فضاهای عمومی شهر مرزی کامیاران مطالعه موردی: خیابان امام خمینی (ره). علوم و فنون مرزی، ۱۰(۳)، ۵۱-۷۶.
- نجاری نابی، رعنا و مهدی‌نژاد، جمال‌الدین. (۱۳۹۹). ارزیابی نقش عوامل کالبدی و عملکردی در اجتماع‌پذیری بازارهای سنتی ایران با استفاده از تکنیک نحو فضا (نمونه موردی: بازار تبریز). باغ نظر، ۱۷(۸۵)، ۶۷-۸۲.
- Dovey, K. (2015). *Becoming places. Urbanism, Architecture, Identity, Power*. New York: Routledge.
- Duivenvoorden, E., Hartmann, T., Brinkhuijsen, M., Hesselmanns, T. (2021). Managing public space- A blind spot of urban planning and design. *Cities*, 109, 1-3.
- Hassan, M. & Megahed, A. (2021). COVID-19 and urban spaces: A new integrated CFD approach for public health opportunities. *Building and Environment*, 204, 1-14.
- Henckel, D., Thomaier, S., Könecke, B., Zedda, R. & Stabilini, S. (2013). *Space-Time Design of the Public City*. New York: Springer Dordrecht Heidelberg.
- Ji, H. & Ding, W. (2021). Mapping urban public spaces based on the

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
ضیایی، شادی؛ میرزاکوچک خوشنویس، احمد؛ پیری، سعید و محمودی زرنندی، مهناز. (۱۴۰۲). تحلیل پساپدیدارشناسانه تأثیر حس زمان بر شاخص‌های اجتماع‌پذیری فضاهای باز عمومی نمونه موردی: میدان کوه‌سنگی مشهد. گردشگری فرهنگ، ۴(۱۵)، ۱۸-۳۱.

DOI: 10.22034/TOC.2024.432000.1147

URL: [HTTPS://WWW.TOC-SJ.COM/ARTICLE_188361.HTML](https://www.toc-sj.com/article_188361.html)

